

ما در کدام زمانه زندگی می کنیم

جشن "دنیای تصویر" و سینمایی که «دغدغه مندی» سرش نمی شود

چاپ شده در : روزنامه روزگار

زمان انتشار : مرداد ماه ۱۳۹۰

این که حسام نواب صفوی برای بازی اش در دو فیلم «وقتی همه خوابیم» و «اخراجی ها ۲» کاندیدای دریافت جایزه بهترین بازیگر جشن دنیای تصویر می شود؛ این که کنار هم نشانیدن نام این دو فیلم یا اساساً آمدن نام «اخراجی ها ۲» (با آن شوخی مهوع دو پاکت پر از استفرغ) در فهرست کاندیداها از نظر دوستان من در هیأت داوری این دوره جشن که حالا می بینم به درستی خود را از حضور در آن رهانیدم، خالی از اشکال است؛ این که منتقدان در برنامه ضدسینمایی «هفت» فیلم «سوت پایان» نیکی کریمی را تا آستانه ویرانی می کوبند و هیچ متوجه این نکته نیستند که صرف پرداختن به موضوع حساس دینه قتل نفس به این شکل با محافظه کاری های معاونت کنونی سینمای کشور تا چه حد هفتخوان وار است؛ این که خبر پیشی گرفتن «ورود آقایان ممنوع» از «اخراجی ها ۳» در اکران تهران، بازتاب درستی میان اهل سینما پیدا نمی کند و حتی یک بیستم آن همه بلوای بیهوده و بی ربط بر سر رقابت «جدایی نادر از سیمین» و «اخراجی ها ۳» (اصلاً کدام رقابت؟! در مطبوعات و فضای مجازی نقل نمی شود؛ همه و همه نشان دهنده شرایطی است که همراهان سینمای ایران، این روزها دچار آن اند: این که انگار اهمیت و وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر فضای فرهنگی مان را نه تنها در نظر نمی گیرند، بلکه از ریشه و پایه در نمی یابند. و این تازه برداشت خوش بینانه ای است که دارم مطرح می کنم. چون اگر متوجه اش باشند و باز عامدانه به آن وقعی ننهند، وای به حال و روز ما و این سینما که بناست محافظان و منادیانش، صاحبان چنین نگرشی باشند.

نگرشی که برای بیشتر و بهتر دیده شدن فیلم های دغدغه مندی مانند «این جا بدون من» کوششی نمی کند، نگرشی که به تهیه کننده «پایان نامه» یعنی روح ... شمقدری پاسخ نمی دهد که آقا، عزیز، اشاره نامه بهمین فرمان آرا به احتمال معرفی «پایان نامه» به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا یک شوخی طنانانه فرمان آرابی بود که در بحث احتمال انتخاب یک فیلم بی رمق اما باب طبع نگاه رسمی، «پایان نامه»

را مثال می زد تا با طرح یک احتمال بعید، راه اغراق را پیموده باشد، نگرشی که حواس اش نیست با کنار گذاشته شدن «تنها دوبار زندگی می کنیم» از جایگاه فیلم برنده جایزه اصلی جشنواره شهر دو سال پیش با تأکید و مداخله مسئولان سینمایی، حالا و در جشن دنیای تصویر وقتش است به آن همه ظرافت ساختاری و عمق مضمونی و عاطفی و وجوه انتقادی و انسانی اش توجه شود (در حالی که فیلم حتی کاندیدای فیلم و فیلمنامه و کارگردانی هم نشد!)، به مراتب بیش از فشارها و تنگناهایی که خود مدیریت سینمای کشور بر آن تحمیل کرده، به بحران این سینما دامن می زند و ارج و قرب دغدغه مندی در آن را نادیده می گیرد. مشاهده و تشخیص این که نیکی کریمی در یک **one woman show** تمام عیار (برگرفته از عبارت مشهور **one man show** به معنای پیش بردن یک تنه همه کارها به دست خود) از فراهم کردن سرمایه تا حتی بلیت فروشی به شکل افتخاری با حضور خودش، دارد برای طرح مسئله اجتماعی فیلمش هر تلاشی می کند، هیچ سخت نیست. مشکلات او و فیلمش برای به نمایش درآمدن، برحسب ضرورت زمانه دشواری که درگیر آنیم، باید مقادیری وجوه سیاسی و اجتماعی را هم در تحلیل صرفاً سینمایی ما دخیل کند و «تشخیص شرایط» را در این رفتارمان جاری کند که نقد فیلم را در نشریات تخصصی، صریح و بی تعارف انجام دهیم و در فضای عمومی مانند تلویزیون و رسانه های کلان دیگر، به مطرح شدن و دیده شدن فیلمی تا این حد تحت فشار، کمک برسانیم.

وقتی چنین نمی کنیم، وقتی حواس مان نیست که «نقش» شهاب حسینی در «سوپراستار» بابت زیرسوال بردن شهرت و محبوبیت هر کسی میان مردم، دو سال پیش از نگرش رسمی تأیید دریافت کرد و به همین دلیل ما دیگر نباید «بازی» او در «درباره الی...» را در فهرست برگزیدگان مان با «نقش» مطلوب دوستان معاونت در «سوپراستار» مجاور کنیم، وقتی در نگاه به تاریخ سینما مدام از اهمیت شرایط زمانه در شکل گیری نئورئالیسم یا مثلاً ساخته شدن «راه/یول» یلماز گونی و شریف گورن حرف می زنیم اما دور و

بر خودمان یکسره سینما را از دامنه ها و حاشیه های سیاسی مسلط بر آن جدا می کنیم و جدا می بینیم، خوب، باید هم حال و روزمان این باشد. باید هم مدیران سینمایی به جای اعلام یکباره این که بدیهی و اظهر من الشمس است که «جدایی نادر از سیمین» نماینده ایران - فراتر از این که بگوییم نماینده «سینما»ی ایران- در اسکار خواهد بود، به خود اجازه می دهند از جلسه و شورا و پروسه انتخاب فیلم برای معرفی به آکادمی حرف بزنند. چون می دانند این طرف، میان ما که باید محافظ و مراقب سینمایمان باشیم، دغدغه چندانى موجود نیست و انتقادات یکی دو نفر مثل من هم در این بحران بی واکنشی، در نهایت به «زر» یا در شکل خوش بینانه اش، به «نق» تعبیر خواهد شد!